



بگذاریم، او بی‌کار نمی‌نشیند.^۱
یکی از معضلات عمده‌ی همت، در جایگاه فرمانده جدید تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله (علیه‌السلام) طی عملیات رمضان؛ جوسازی‌های شدید جریان مرموز مسلط بر سپاه منطقه ۱۰ تهران در آن بُرهه، علیه وی بوده است. در جریان گپ و گفتی خودمانی، سید محمدرضا دستواره و تنی چند از کادرهای عملیاتی ارشد تیپ ۲۷، در این باره، نزد همت گلایه کردند که او در پاسخ آن‌ها گفت:
«...امام صحبتی دارند که آن را نوشته‌ام و همیشه آن را توی جیب خودم دارم. دوست دارم حرف‌های امام همیشه توی ذهنم باشد. حالا من آن را برای شما می‌خوانم؛ این دیگر یک شعار باید برای ما باشد! امام صراحتاً اعلام می‌کند: هر کس که بیشتر برای خدا کار کرد، بیشتر باید فحش بشنود، و شما پاسدارها، چون بیشتر برای خدا کار کردید، بیشتر فحش شنیدید و می‌شنوید.

ما باید برای فحش شنیدن ساخته بشویم! برای تحملِ تهمت و افتراء و دروغ! چون ما اگر تحمل نکنیم، باید میدان را خالی کنیم. فکر نکنید افرادی مثل خوارچ دوران حکومت امام علی (علیه‌السلام)، الآن در اطراف ما وجود ندارند؛ وجود دارند! خوارچ چه کسانی بودند؟ خوارچ آمدند و ابتدا به علی (علیه‌السلام) گفتند: یا علی (علیه‌السلام)؛ ما با تو هستیم. بعد همین‌ها از پشت به علی (علیه‌السلام) ضربه زدند! این نیست که ما هم در اطراف خودمان چنین آدم‌هایی را نداشته باشیم. الآن هم مثل زمان حکومت حضرت علی (علیه‌السلام)، خوارچی هستند که دارند اذیت می‌کنند. داریم دیگر؛ «انجمن حجتیه» می‌بینی این‌ور و آن‌ور نفوذ کرده، این‌ها هزار کانال دارند. حالا خدا را شکر، که خودت الآن در تیپ، روی آدم‌ها شناخت داری. اگر تو در وضعیت مبهم و فاقد شناسایی قبلی از آدم‌ها قرار گرفته بودی؛ بله، این مسائل برای تو ضربه‌ی روحی درست می‌کرد. ولی حالا نباید این‌طور باشد. چون تو خودت هم فهمیده‌ای که در سپاه تهران، و کلاً در سپاه منطقه ۱۰، یک جریانی وجود دارد، که من اسم آن را گذاشته‌ام «جریان سؤم». یک «خط سؤم» آن‌جا وجود دارد. که حتی خود حاج داوود [کریمی؛ فرمانده‌ی سپاه منطقه ۱۰] را هم قبول ندارند. مثلاً مثل پادگان ولی عصر (علیه‌السلام)، خودتان که می‌دانید؛ این خط سؤم، در سپاه تهران وجود دارد. پس اگر این مسئله را می‌دانید، که دیگر آدم نباید از آن‌ها غیر

انجام می‌داد. گردان‌هایی که در دشتی باز و بدون عارضه، به جنگ انبوه تانک‌های پیشرفته‌ی دشمن رفته بودند. این رزمندگان، در اولین اقدام خود، با انهدام تیپ ۵۰ زرهی لشکر ۱۲ ارتش عراق، منتهی‌الیه حد راست محدودده‌ی عمل قرارگاه فرعی فتح ۱ را به گورستان ادوات زرهی دشمن تبدیل کردند.
در شرایطی که نیروهای خودی، با پشت سر گذاشتن موانع و انهدام تجهیزات دشمن، همچنان در حال پیشروی بودند، به دلیل عدم برقراری الحاق بین تیپ ۱۴ امام حسین (علیه‌السلام) و تیپ ۸ نجف اشرف، وضعیت منطقه‌ی نبرد به کلی تغییر یافت. ضمن این‌که اشتباه رزمندگان سخت کوش واحد مهندسی در احداث خاکریز تأمینی و اتصال آن به دژ مثلثی چهارم. به جای مثلثی سؤم. کلاً شرایط عرصه‌ی نبرد را عوض کرد و نیروهای خودی؛ پس از انهدام گسترده‌ی ادوات زرهی دشمن، مجبور به عقب‌نشینی شدند.

از این توقع داشته باشد. آدم زمانی در یک کار دچار بریدگی می‌شود، که ندانسته و نشناخته، قدم به عرصه گذاشته و دفعتاً یک چنین خط و خطوطی را کشف کند و از فرط خشم، بترکد! ولی الآن دیگر وقت ترکیدن ما نیست، چون ما، چگونگی جو سپاه تهران را می‌دانیم. خب بگویند!

اتفاقاً ملاک رسیدن به درجات بالای شهادت برای یک شهید، همین [تحمل کردن] مظلومیت است.^۲ به فاصله‌ی شش روز پس از خاتمه‌ی مرحله‌ی سؤم عملیات، در شامگاه چهارشنبه ششم مرداد ۱۳۶۱ مرحله‌ی پنجم نبرد رمضان، با هدف حضور قوای نظامی ایران در پشت شط العرب و تسلط بر معابر وصولی بصره، از طریق تصرف دژهای مثلثی دشمن آغاز شد. در این مرحله؛ تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله (علیه‌السلام) مأموریت داشت تا ضمن تصرف قسمت شمالی دژ مثلثی سؤم دشمن، به سمت چپ گسترش یافته و در آن‌جا با تیپ ۱۴ امام حسین (علیه‌السلام) الحاق کند.

تنها ساعتی پس از آغاز حرکت گردان‌ها به سمت اهداف از پیش تعیین شده بود، که درگیری نیروهای سبک اسلحه‌ی ایرانی با واحدهای زرهی دشمن شروع شد. همت که به دلیل سرماخوردگی شدید و عود کردن سینوزیت‌اش حال و روز خوبی نداشت، با همان وضعیت، هدایت گردان‌ها را به نحو احسن

۱. نوارهای با فرماندهی شماره‌ی ۴، نشست توجیهی در سنگر موقت واحد اطلاعات تیپ ۲۷، بعد از ظهر شنبه دؤم مرداد ۱۳۶۱، محور جنوبی پاسگاه زید در عملیات رمضان.



به فاصله‌ی شش روز پس از خاتمه‌ی مرحله‌ی سؤم عملیات، در شامگاه چهارشنبه ششم مرداد ۱۳۶۱ مرحله‌ی پنجم نبرد رمضان، با هدف حضور قوای نظامی ایران در پشت شط العرب و تسلط بر معابر وصولی بصره، از طریق تصرف دژهای مثلثی دشمن آغاز شد